

نامجاهای املش

نویسنده و پژوهشگر: ابوزرملک پور استادکلایه جی

<https://telegram.me/MotaDeylami>

چاپ شده در صفحه ۱۴ و ۱۵ فصل نامه آوای املش، سال نهم، شماره سی و پنجم، تابستان ۱۴۰۱

سبز میدان املش: سرزمین بزرگی به مساحت تقریباً بالای صد هکتار زمین در بین کوه و بالا کیزنیک (جنر کزنک) و سرچور در مرکز املش، که آغازش از نزدیکی یوسف آباد املش بوده است؛

در دهه چهل خورشیدی با هستی گرفتن جاده کمربندی، و خانه سازی و احداث مغازه و... سبز میدان این سرزمین باستانی حاصلخیز ناحیت دیلم در کرانه راست رودخانه املش (از سمت جنوب به شمال شهر کنونی املش) تغییر کرد.

بسیاری از آثار باستانی املش در دوره صفویه و قاجاریه و پهلوی و حتی در دوره جنگ ایران و عراق یعنی دهه شصت خورشیدی از این مکان به صورت غیرقانونی حفاری شده و به فروش رسیده و سر از کشورهای اروپایی در آورده است (روایت مردمی)

س. جی ادموندز مأمور انگلیسی در مقاله ای بنام **سیاحتی در دیلم به هنگام خزان در سال ۱۳۰۳ شمسی (۱۳۴۳ قمری)** برابر با 1924 میلادی می نویسد:

«املش دهکده بسیار زیبایی است که حین عبور از آن در هر پیچ و خمی شخص بی اختیار به یاد مناظر طبیعی انگلیس می افتد. این دهکده یکصد باب خانه دارد و مسکن تقریباً دویست خانوار از صوفیان است که ناحیه رانکوه تعلق به آنها دارد، و لذا میزان تمکن و رفاه آنها زیاده از خانواده های عادی است. خانه های این دهکده که در میان درختان بیشه پراکنده شده از آجرهای سرخ رنگ و سقفهای آنها پوشیده از سفالهای سرخ معمولی گیلان است. مراتع چندی برای چرای دامها وجود دارد که مهمترین آنها سبزه میدان نام دارد. سبزه میدان مرتع عمومی بسیار بزرگی است که در انتهای مسجدی احداث کرده اند، درخت گردوی فوق العاده تنومند و بزرگی بر آن مسجد سایه افکنده است. املش بازار کوچکی با ده دوازده دکان قصابی و بقالی و عطاری دارد. در دکه عطارها معمولاً کیسه های ادویه، ده یا بیست شیشه دارو، یکی دو بسته کبریت و تعدادی تخم مرغ بچشم می خورد. در این دهکده دو سه دکان درزیگری وجود دارد که قاعدتاً در درون هر دکه ای درزیگر را می توان جلو چرخهای سینگر مشغول کار دید.... فقط افرادی که محکوم به گذراندن سالهای دراز عمر خویش در بیابانهای بین النهرین یا اراضی خشک فلات ایرانند می توانند تصور کنند که شغف ما از دیدن چمنی زمردین و پرچین هائی سبز و حتی رده های بوته تمشک جنگلی تا چه اندازه بود.» صص ۶۸ تا ۷۰ جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان.

خرشتم (خورشتوم): نامی که بر می گردد به خورّه اوستایی یا فر یا فرّه ایزدی در ایران باستان (در مورد معنی خرشتم یا خورشتم رجوع کنید به صفحه ۳۱۱ کتاب **چند صد نام دریای خزر** نوشته استاد عبدالرحمن عمادی)

خورشتوم: گهن_نامجایی در بلوک شلمان از ولایت رانکو و از ناحیت دیلم خاصه بوده است(نه گیلان)

امروزه بخشی از املش را خرشتم می نامند در صورتی که بخشی را که امروزه آبادی خرشتم در املش هست طبق روایت مردم همان منطقه: دیوشلک بوده است و اصلاً خورشتم که احتمالاً مرکزیت محله کوملا یا کومله کنونی را داشته است: گند زَر (=کنت سر) می نامیدند، در حقیقت بخش بزرگی از شهر کومله امروزی خورشتم شلمان قدیم بوده است و جزء ولایت رانکو از ناحیت دیلمان(دیلم خاصه) به مرکزیت املش و ولایت صوفیان محسوب می شده است.

دقت شود که در تاریخ خانی خورشتم شلمان ذکر شده است و رودخانه شلمان (شلما روخانه) و خود بلوک شلمان: از خورشتم در سمت غربی رودخانه خُرمه یا خورما که پایانش به سلوش می رسد نامگذاری می شده است، در واقع دو رودخانه املش و خُرما (خورما) که به آبادی سلوش می رسد در یک نقطه به هم می پیوندند و بلوک شلمان و رودخانه شلمان را از آن پس شکل می دهند که امروزه این تقسیم بندی با به وجود آمدن شهری بنام کومله و اطاقور ولایت رانکو تغییر کرده است، یعنی بخش وسیعی از شلمان باستانی در شهر کومله امروزی جا خورده است و تا سکارود و عشق آباد که جزء شلمان بوه است امروزه جزء کومله می باشد و این یعنی حذف بخش مهمی از تاریخ شلمان و دیلم خاصه و رانکو به مرکزیت تیمجان و املش.

(سیگارود یا سکارود یعنی رود سکا؛

عشق آباد همان ایشک آباد یا آبادی ایشکا یا اسکا=سکا آباد بوده است که نامجایی در شلمان بوده و هست.)

اطاق(طاق سرا): جایگاهی باستانی در کنار نهری باستانی بین چهار راه منده محله (میان محله املش) (یا بقول امروزی ها چهار راه پارک) و سرچور و جنر املش(=بالا بازار): بوده است که امروزه پارک کوچکی می باشد و بنام پارک میرزا کوچک خان و پارک کودک هم شناخته می شود،

احتمال می دهم که وجه تسمیه اطاقور از اطاق سرای املش گرفته شده است چراکه بخش اصلی املش از ولایت رانکو که بچارپس(=بیجارپس) بوده است در این سده جدا گشته و جزء شهرستان لنگرود شده است که همان را ما امروزه اطاقور می شناسیم.

کتابی ست بنام جغرافیای گیلان؛ که نخستین بار در سال ۱۳۰۵ در نجف توسط مهدی مهدوی لاهیجانی جمع آوری شده است و دکتر افشین پرتو هم مجدداً این کتاب را تصحیح و تحشیه نموده و فرهنگ ایلیا ی رشت در سال ۱۳۹۴ چاپ کرده است، در صفحه ۱۶۰ این کتاب چنین نوشته شده است:

«املش دهستان دوم لاهیجان املش است که مشتمل است بر نه قریه. سه قریه ی آن کوهستانی و شش قریه در جلگه می باشد، و قرای املش از این قرار است: آشیان، بیجارپس و در سابق دارای مزاری بوده است، خال سر، دادقان سرا، ملوش، کهلستان، کردسراکوه، لات لیل، مریدان. و...»

نخست اینکه آقای مهدی مهدوی لاهیجانی نبایست نام کتاب را جغرافیای گیلان می گذاشت چونکه املش در جغرافیای دیلم یا دیلمان بوده است و تقریباً در همان دوره می باشد که س. جی ادموندز مأمور انگلیسی در مقاله ای بنام سیاحتی در دیلم به هنگام خزان از املش می نویسد و...

نام کتاب بایست جغرافیای دیلمان یا جغرافیای گیلان و دیلمان نامگذاری می شد.

دوم اینکه مهدی مهدوی لاهیجانی نوشته است: «دهستان دوم لاهیجان املش است» که این یک دروغ محض است چونکه املش در همیشه تاریخ جزء ولایت رانکو و از ناحیت دیلم خاصه بوده است و در دوره نگارش کتاب آقای مهدی مهدوی، املش نه تنها جزء ولایت لاهیجان نبوده بلکه مرکز ولایت رانکو بوده است و خیلی پیشتر از مهدی مهدوی لاهیجانی آکساندر خودزکو در دهه 1830 میلادی می نویسد مرکز رانکوه آبادی صوفیان (=املش) است. رجوع کنید به صفحه ۱۵ کتاب سرزمین گیلان خودزکو

توجه شود که تمام قریه های نامبرده املش توسط مهدی مهدوی لاهیجانی در غرب رودخانه املش درست است، اما سوال پیش می آید که چرا محله های اصلی املش که در شرق رودخانه ی املش قرار دارند را نادیده گرفته است؟! مانند کیازنیک و سرچور و انارستان محله و...؟

آیا به این دلیل نبوده که مهمترین بخش دیلم که رانکو و املش بوده است را حذف از تاریخ کنند؟!

کما اینکه نویسندگان و پژوهشگران همین سده اهل شهرهای اطراف املش مدعی این هستند که رانکو جزء مثلاً رودسر یا لنگرود و... بوده است در صورتی که چنین نبوده است.

در مورد تصحیح کتاب ها توسط دکتر افشین پرتو اگر به همین صفحه کتاب جغرافیای گیلان مهدی مهدوی لاهیجی توجه کنیم می توانیم بفهمیم که تصحیح و تحشیه دکتر افشین پرتو همواره چطور بوده است

نخست اینکه روستایی بنام ملوش نداریم که احتمالاً بایست تصحیح به سلوش می شد و برای محله آشیان املش در پانوشت شماره یک همین صفحه کتاب دکتر افشین پرتو می نویسد: «۱. اوشیان روستایی در دهستان روشیان بخش چابکسر رودسر»

در صورتی آشیان روستایی از روستاهای قدیمی املش ولایت رانکو بوده است که امروزه روستایی از توابع بخش اطاقور (اتاقور) شهرستان لنگرود می باشد.

فهرست منابع:

_ طاهری، ابوالقاسم، (۱۳۴۷) جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان، انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، چاپخانه بانک ملی ایران؛

_ عمادی، عبدالرحمان، (۱۳۸۹)، چند صد نام دریای خزر، تهران، نشر آموت، چاپ اول؛

_ خودزکو، آکساندر، (۱۳۵۴)، سرزمین گیلان، ترجمه سیروس سهامی، تهران، انتشارات پیام، چاپ اول؛

_ م. م. لاهیجی، (۱۳۹۴)، جغرافیای گیلان، تصحیح و تحشیه افشین پرتو، ناشر فرهنگ ایلیا، چاپ اول؛